



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده اقتصاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی

تبیین خلق پول اعتباری و نسبت آن با آموزه‌های فقهی و اسلامی

استاد راهنما:

دکتر محمد اسماعیل توسلی

استاد مشاور:

دکتر مرتضی خورسندی

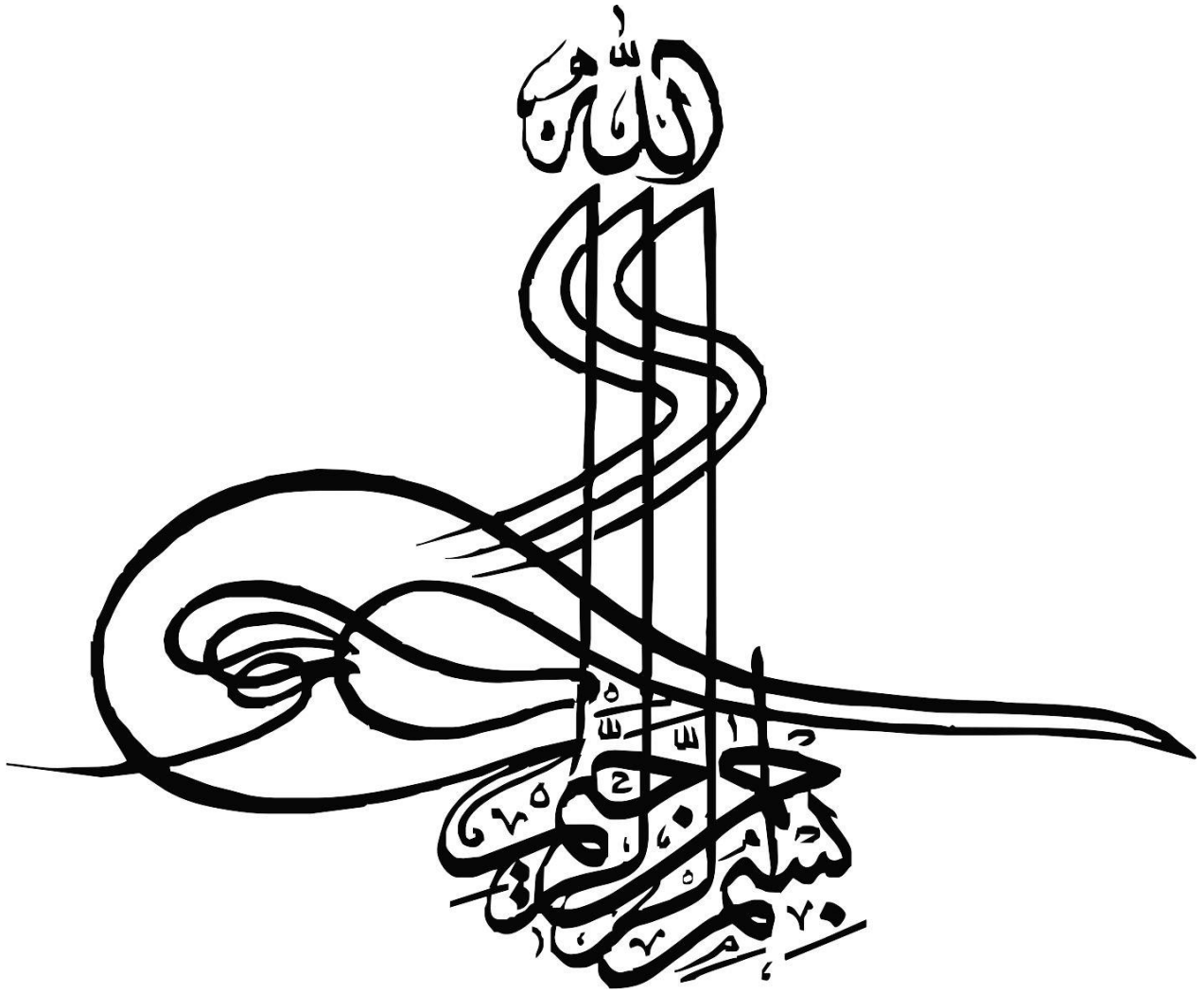
استاد داور:

دکتر رمضانعلی مروی

پژوهشگر:

عباس بهاری فرد

بهار ۱۳۹۹





به نام خدا

منشور اخلاقی

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداوند است و همواره ناظر به اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری ما دانشجویان دانشکده های دانشگاه علامه طباطبائی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جوئی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت،
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق،
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش،
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش،
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار،
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق،
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی،
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد،
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جوئی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعالم موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلاینند.

نام و نام خانوادگی: عباس بهاری فرد

تاریخ و امضاء:

۹۹/۸/۲۴



تعهدنامه ی اصالت پایان نامه

اینجانب عباس بهاری فرددانش آموخته مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۱۰ از پایان نامه خود تحت عنوان تبیین خلق پول اعتباری و نسبت آن با آموزه های فقهی و اسلامی با کسب نمره ۱۸ درجه بسیار خوب دفاع نموده ام، متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و درموردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از مقاله، کتاب، پایان نامه و غیره) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده از هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ازین دست موارد از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه عالمه طباطبائی مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و درصورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعائی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: عباس بهاری فرد

تاریخ و امضاء: ۹۹/۸/۲۶

چکیده:

هدف این پژوهش، تبیین خلق پول اعتباری و نسبت آن با آموزه های فقهی و اسلامی است در این پژوهش به بررسی و تبیین خلق پول اعتباری در اقتصاد متعارف و خسارت ها و پیامدهای منفی وارده آن به اقتصاد می پردازد. در نهایت به دنبال این موضوع است که از انواع خلق پول اعتباری و میزان ایجاد آن توسط بانک مرکزی و بانکهای تجاری که در حال حاضر نظام کنونی اقتصاد ایران با آن مواجه است از منظر آموزه های فقهی و شرعی چه حکمی دارد و آیا اقدام بانک های تجاری در خلق پول اعتباری مشمول عناوین "اکل مال به باطل" "غصب" "عدم ایفا تعهد" "تاثیر خلق پول اعتباری بر توزیع ناعادلانه ثروت" با آموزه های فقه اسلامی همخوان یا مغایر است؟ نتایج بررسی آیات قرآن، روایات و منابع فقهی اسلامی نشان می دهد که خلق پول اعتباری مشمول تمامی عناوین ذکر شده می باشد نتایج این تحقیق نشان می دهد که خلق پول اعتباری با شرع مقدس اسلام مغایرت دارد .

کلید واژگان: خلق پول، پول اعتباری ، اقتصاد اسلامی، نظام بانکداری اسلامی

فهرست مطالب

۱۱.....	فصل اول: کلیات پژوهش و روش تحقیق
۱۲.....	مقدمه
۱۲.....	بیان مسئله
۱۴.....	ضرورت انجام پژوهش:
۱۹.....	پرسش های اصلی و فرعی پژوهش
۱۹.....	اهداف پژوهش
۲۰.....	روش کلی پژوهش
۲۱.....	روش تحقیق کتابخانه‌ای:
۲۱.....	چارچوب نظری کلان پژوهش:
۲۳.....	تعریف عملیاتی اصطلاحات پژوهش
۲۵.....	فصل دوم: پیشینه پژوهش
۲۶.....	پیشینه علمی و مطالعات انجام شده داخلی
۳۱.....	مطالعات و دیدگاه اندیشمندان اقتصادی مسلمان
۳۴.....	انواع دیدگاه اندیشمندان اسلامی نرخ نگهداری ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی
۳۶.....	مطالعات خارجی
۴۰.....	فصل سوم: تبیین ماهیت خلق پول اعتباری
۴۱.....	مقدمه:
۴۲.....	خلق پول توسط بانک مرکزی :
۴۳.....	پایه پولی و اجزای تشکیل دهنده آن
۶۲.....	استقلال بانک مرکزی

عملکرد نظام بانکی ایران:	۶۷
خلق پول در قانون عملیات بانکی بدون ربا	۷۰
انواع خلق پول اعتباری توسط نظام بانکی در ایران	۷۰
آثار خلق پول اعتباری مبتنی بر ذخیره جزئی و دیدگاههای مخالف آن	۷۸
خلق پول اعتباری از هیچ توسط نظام بانکی	۸۳
مکانیزم خلق پول از هیچ	۸۴
کمیت نقدینگی در ایران	۸۵
کیفیت نقدینگی در ایران	۸۷
وضعیت نقدینگی و اجزای آن در ایران:	۸۸
دیدگاههای رایج درباره ماهیت خلق پول	۱۰۱
فصل چهارم: بررسی فقهی ماهیت خلق پول	۱۱۳
خلق پول اعتباری مثابه اکل مال به باطل	۱۱۷
خلق پول اعتباری به مثابه غصب	۱۲۳
عدم ایفای تعهد:	۱۲۴
تأثیر خلق پول اعتباری بر توزیع ناعادلانه ثروت	۱۲۵
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات	۱۳۴
منابع:	۱۴۱

فهرست جداول

- جدول 1 رشد اجزایی مختلف پایه پولی طی سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۵۷ ۴۷
- جدول ۲ اجزایی پایه پولی در دوره های برنامه اول و دوم توسعه ۵۰
- جدول ۳ رشد اجزایی مختلف پایه پولی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۴
- جدول ۴ رشد اجزایی مختلف پایه پولی در دوره برنامه پنجم توسعه ۵۸
- جدول ۵ مقایسه تعداد بانک ها و تعاونی های اعتباری در ایران و سایر کشورها ۶۹
- جدول ۶ نقدینگی و اجزای آن ۹۰
- جدول ۷ اجزاء پول و سهم اجزای پول از نقدینگی ۹۳
- جدول ۸ شبه پول و اجزاء آن و سهم شبه پول از نقدینگی طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۹ ۹۷
- جدول ۹ شبه پول و اجزاء آن و سهم شبه پول از نقدینگی طی سالهای ۱۳۸۰-۱۳۹۶ ۹۹
- جدول 10 دیدگاه واسطه مالی ۱۰۱

فهرست نمودار

- نمودار 1 پایه پولی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ ۴۷
- نمودار 2 بدهی دولت به بانک مرکزی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ ۴۸
- نمودار 3 بدهی بانک ها به بانک مرکزی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ ۴۸
- نمودار 4 ذخایر ارزی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ ۴۹
- نمودار 5 رشد نقدینگی طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۵۷ ۴۹
- نمودار 6 پایه پولی طی سالهای ۱۳۴۸-۱۳۶۸ ۵۰
- نمودار 7 بدهی دولت به بانک مرکزی طی برنامه های اول و دوم توسعه ۵۱
- نمودار 8 بدهی بانک به بانک مرکزی طی برنامه های اول و دوم توسعه ۵۲
- نمودار 9 ذخایر ارزی طی سالهای برنامه اول و دوم توسعه ۵۲
- نمودار 10 رشد نقدینگی طی سالهای برنامه اول و دوم توسعه ۵۳
- نمودار 11 پایه پولی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۵
- نمودار 12 بدهی دولت به بانک مرکزی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۵
- نمودار 13 بدهی بانک ها به بانک مرکزی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۶
- نمودار 14 ذخایر ارزی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۶
- نمودار 15 رشد نقدینگی در دوره برنامه سوم و چهارم توسعه ۵۷

- نمودار 16 پایه پولی در دوره برنامه پنجم توسعه ۵۹
- نمودار 17 بدهی دولت به بانک مرکزی در دوره برنامه پنجم توسعه ۵۹
- نمودار 18 بدهی بانک ها به بانک مرکزی در دوره برنامه پنجم توسعه ۶۰
- نمودار 19 ذخایر ارزی در دوره برنامه پنجم توسعه ۶۰
- نمودار 20 رشد نقدینگی در دوره برنامه پنجم توسعه ۶۱
- نمودار 21 روند افزایش حجم نقدینگی ۸۶
- نمودار 22 روند تغییرات سهم پول و شبه پول از نقدینگی ۸۸
- نمودار 23 رشد نقدینگی و اجرای پول و شبه پول ۹۲
- نمودار 24 اجزاء پول طی سالهای ۱۳۷۹-۱۳۵۷ ۹۵
- نمودار 25 اجزاء پول طی سالهای ۱۳۹۴-۱۳۸۰ ۹۶
- نمودار 26 اجزاء شبه پول طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۶۳ ۹۸
- نمودار 27 اجزاء شبه پول طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۸۰ ۱۰۰

فصل اول:

کلیات پژوهش و روش تحقیق

خلق گسترده پول توسط بانک های تجاری پیامدهای بسیاری در نظام سرمایه داری، که مهد نظام بانکی متعارف است، ایجاد کرده است. از جمله آثار این پدیده می توان به بی ثباتی اقتصادی (رکود و رونق) بی ثباتی در عرضه پول، افزایش تمایلات تورمی، رشد اجباری، تخریب محیط زیست، استثمار کارگران، افزایش فساد، افزایش نابرابری و نقض عدالت، توزیع ناعادلانه ثروت، محرومیت اجتماعی، ورشکستگی بانک ها، تحمیل بیمه سپرده ها، مخاطره اخلاقی، سرمایه گذاری بی فایده و حباب دارایی اشاره نمود. به اعتقاد برخی اندیشمندان غربی مشکل نظام پولی کنونی جهان این است که بانک های تجاری دارای امتیازات ناسالم شامل: الف) امتیاز خلق پول به عنوان بدهی ارتباط پول با بدهی عواقب زیان باری برای عده زیادی از مردم و کسب و کارها به وجود می آورد، به ویژه برای افراد فقیر و کسانی که کسب و کار با سود اندک دارند علاوه بر این افرادی که این بدهی را نگه می دارند بهره پرداخت می کنند. پول های بانکی خلق شده توسط نظام بانکی به طور اجتناب ناپذیر به معنای (پول) هستند و به تدریج انباشته می شوند. این در حالی است که عده زیادی از مردم به انباشت بیشتر بدهی نیاز دارند؛ زیرا این نظام به اندازه بدهی ها پول خلق می کند اما بهره های آن را تولید نمی کند. بنابراین مردم نیاز بیشتر و بیشتری به بدهی و وام برای پرداخت بهره ها خواهند داشت (Edwards 2013 ب) امتیاز جمع آوری بهره بازپرداخت بدهی ها منافع بهره در بازپرداخت بدهی ها به جای اینکه برای تمام جامعه باشد تنها برای تعدادی از بانک هاست درحالی که هیچ استدلال منطقی وجود ندارد که اثبات کند. حق ایجاد پول و جمع آوری بهره آن به بانک ها اختصاص دارد (صمصامی و کیانپور ۱۳۹۴).

از سال ۱۳۶۲ که به اصطلاح قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد و نیز در سال ۱۳۸۱ فضای شکل گیری بانکهای خصوصی در ایران ایجاد شد و مضافا اینکه عدم استقلال، غفلت و رها کردن بانکها توسط بانک مرکزی باعث گردید نقدینگی در کشور به بحران نقدینگی تبدیل شود و این فوران نقدینگی بیشتر حاصل از خلق پول که توسط بانکهای تجاری صورت می گیرد، در نهایت منجر به بی ثباتی اقتصاد کلان، تورم لجام گسیخته گردید. در این پژوهش به بررسی و تبیین خلق پول در اقتصاد متعارف و خسارتها و پیامدهای منفی وارده آن به اقتصاد می باشد. در نهایت به دنبال این موضوع است که انواع خلق پول اعتباری حال حاضر اقتصاد ایران با آن مواجه است آیا با آموزه های فقه اسلامی همخوان یا مغایر است؟

بیان مسئله

دو ویژگی اصلی نظام بانکی در رویکرد متعارف غربی یکی بانکداری ذخیره جزئی و خلق پول اعتباری است و دیگری انواع قراردادهای قرض با نرخ بهره های ثابت با تضمین اصل سرمایه است. در ادبیات اقتصاد اسلامی از آن با عنوان بانکداری ربوی یاد می کنیم. بشر با ابداع پول گرچه توانست از مشکلات عدیده نظام پایاپای رهایی یابد و با روان شدن معاملات افزایش چشمگیر رفاه را رقم بزند اما همواره سرمایه داران و دولتها در طول تاریخ به هر شکلی که پول بوده است آن را به خدمت گرفته و بهره برده اند.

سرمایه داران از نیاز مردم به واسطه مبادله عام بودن پول بهره برده و با دادن قرض ربوی اموال و دارایی های مردم را به تدریج به ثروت خود افزودند و به نابرابری فاحش ثروت که آثار ناهنجار اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی زیادی در جامعه بر جا می گذارد دامن زدند.

دولت ها هم هر زمان دچار کسری بودجه شدید می شدند راحت ترین راه را در انتشار پول اضافی می دیدند. حقیقت این عمل دستبرد در عیار پولی و ملاک سنجش ارزش است. انتشار پول اضافی به تورم همه جانبه و کاهش شدید ارزش پول می انجامد. کاهش های متوالی ارزش پول آثار ناگوار و پیامدهای اقتصادی ناهنجاری بر توزیع درآمد، پس انداز، مصرف، تولید و سرمایه گذاری، تخصیص منابع، تصمیم گیری اقتصادی، بودجه دولت و تراز پرداخت خارجی بر جا می گذارد.

با ظهور بانک ها در اقتصاد، اینها هم از مسیر انواع قراردادهای ربوی همانند سرمایه داران به نابرابری ثروت دامن زدند و هم همانند دولت ها از مسیر ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری از طریق بانکداری ذخیره جزئی که در اختیارشان قرار گرفت توزیع نابرابر ثروت را در جامعه دو چندان کردند. بانکداری ذخیره جزئی و ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری که مشهور است از صندوق امانات پالمستراخ بانکدار سوئدی شروع شده با یک خیانت در امانت آشکار همراه بوده است. پالمستراخ به تجربه فهمید مردم به یکباره برای دریافت سکه هایشان که به امانت گذاشته بودند مراجعه نمی کنند ضمن این که عده ای که از صندوق پول برداشت می کنند عده ای دیگر به همان مقدار پول در صندوق به امانت می گذارند لذا اگر مقداری از این امانت را به دیگران وام بدهد و مقداری را احتیاطاً در صندوق نگه دارد مشکلی پیش نمی آید. صندوق امانی مذکور با این کار از بهره پول استفاده می کند ضمن اینکه پس از مدتی اصل پول هم به صندوق برمی گردد. از اینجا بود که بانکها پدیدار شدند. کار به همینجا ختم نشد. پس از مدتی بانکها فهمیدند، می توانند بدون سپرده و ذخیره پیشینی دوطرف ترازنامه خود را توسعه دهند؛ یعنی وام دهی کنند بدون اینکه این وام دهی مستلزم کاستن از حساب سپرده شخصی دیگر باشد؛ به محض اعطای وام نیز سپرده های جدید به وجود می آید؛ و این یعنی خلق پول بدون نیاز به ذخیره، میتواند متعاقباً به شکل پسینی اجابت شود. آن ویژگی ای که بانک را بانک می کند همین ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است نه آن قراردادهای قرض های ربوی. چون از این ناحیه تنها کارمزد می گیرند و اصل درآمد حاصل از نرخ بهره را به صاحبان سپرده می دهند. لذا، از این حیث بانکها رباخوار محسوب نمی شوند بلکه واسطه، کاتب و شاهد رباخواری هستند.

قدرت اصلی بانکها از ناحیه خلق پول اعتباری یا همان خلق اعتبار حاصل می شود. زیرا، کل درآمد حاصل از نرخ بهره و اصل پول را مالک می شوند. با توجه به سودهای کلان بانکها از این ناحیه که حاصل بانکداری ذخیره جزئی و ظرفیت عظیم خلق پول اعتباری است، بانکها به سرعت در سراسر جهان بویژه ایران مثل قارچ روییده و در حال مکیدن ثروت های تولید شده حاصل دسترنج مردم به سمت خود هستند (م. توسلی ۱۳۹۷).

اما مسئله این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تدوین قانون بانکداری بدون ربا تنها به اصلاح شاخصه ربوی بودن نظام بانکی متعارف با معرفی تعدادی عقود شرعی در بخش تجهیز منابع بانکی و تخصیص آن پرداختند و بانکداری ذخیره جزئی و خلق پول اعتباری با همه آثار عظیم اقتصادی اش و توزیع ناعادلانه ثروت مغفول یا حق مسلم

بانکها فرض شده است. اینها در بخش تجهیز منابع بانکی ماهیت حقوقی سپرده جاری را که امانت بوده است به صورت سپرده قرض الحسنه معرفی کردند. با این کار دست بانکها را در خلق پول اعتباری بیشتر باز گذاشتند. بانکها هم به ویژه در دهه اخیر غوغا کردند و از دو ناحیه خلق پول و قراردادهای ربوی، تورم را دامن زدند و باعث توزیع ناعادلانه ثروت در بین اقشار مختلف در سطح جامعه گردیدند. با توجه به اینکه خلق پول از ذخیره جزئی و خلق پول از هیچ در قوانین بانکداری اسلامی تبیین نشده این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که آیا انواع خلق پول اعتباری و هر میزان از آن در نظام کنونی اقتصاد کشور با آموزه های فقه اسلامی و مبانی اقتصاد اسلامی همخوانی دارد یا خیر؟

ضرورت انجام پژوهش:

با گسترش سلطه اقتصادی نظام سرمایه داری و نفوذ آن در کشورهای اسلامی، برخی از دولت مردان و روشن فکران مسلمان که تحت تاثیرات پیشرفت و شکوفایی اقتصاد غرب قرار گرفته بودند، کوشیدند که سیستم اقتصاد سرمایه داری را در کشورهای اسلامی حاکم سازند، لیکن موانع بسیاری بر سر راه این کار قرار داشت. از جمله مهم ترین این موانع، حکم ممنوعیت ربا در فقه اسلامی بود. لذا آنها تلاش کردند که به گونه ای بین اعتقادات مذهبی و شاخصه های نظام سرمایه داری سازگاری ایجاد کنند. این تجدید نظرها نخست در کشورهای سنی مذهب واقع گردید. در گام اول لازم بود نظر عالمان اهل سنت که محل رجوع حاکمان و مردم بودند جلب گردد. بدین منظور، شیفتگان اقتصاد سرمایه داری دست به دامن برخی از عالمان دین شدند و با القای مطالبی، نظیر این که عزت مسلمانان در گرو اقتصاد آنهاست و تنها راه رسیدن به رشد اقتصادی این است که نظام سرمایه داری با تمام ضوابط و ویژگی هایش، از جمله تجویز نرخ بهره پذیرفته شود - توانستند بعضی از آنان را تحت تاثیر افکار خود قرار دهند و آنان را برای برداشتن حکم تحریم ربا یا کاستن از غلظت و شدت آن و یا کوچک تر ساختن محدوده تحریم، تشویق نمایند. تلاش آنان موفقیت آمیز بود؛ به طوری که از اوایل قرن چهاردهم هجری، نظرها و پیشنهادهای زیادی برای تجویز نرخ بهره عنوان گردید. تجدید نظر طلبان کوشش می کردند با ایجاد تردید و القای شبهه، فضای لازم برای لغو یا محدود ساختن حکم تحریم ربا را فراهم آورند. بعضی از شبهات شیوع یافته از این قرارند:

۱. در اسلام، تنها گرفتن زیادی برای تمدید مهلت دین، حرام شده است، پس در قرض های با بهره کنونی می توان زیادی را گرفت؛ زیرا پرداخت آن به جهت اصل قرض است، نه تمدید مهلت.

۲. چیزی که در اسلام تحریم شده، گرفتن بهره زیاد است که باعث می شود اندک مبلغ بدهی به چند برابر اصل قرض برسد. بنابراین، گرفتن بهره کم اشکالی ندارد.

۳. اسلام فقط گرفتن زیادی در قرض های مصرفی را تحریم کرده است که نیازمندان برای تهیه مایحتاج زندگی، مجبور به قرض می شوند. از این رو پرداخت بهره به قرض سرمایه گذاری که به هدف تولید و کسب درآمد صورت می گیرد، جایز است و اصولاً تحریم ربا به منظور رعایت حال فقیران است و اگر تولیدکننده ثروت ربا بپردازد اشکالی ندارد.

با وجود آنکه بهره و ربا در حقیقت ستون فقرات اقتصاد سرمایه داری به حساب می آید و اقتصاددانان غربی آن را از ضرورات نظام اقتصادی می دانند و برای آن آثار مثبت زیادی برمی شمردند. اما با اینهمه در اقتصاد اسلامی ربا به شدت نهی شده است و تعبیری برای تهدید و تحذیر مومنان به کار رفته است که در کم تر گناهی تا این حد سخت گیری شده و بر آن وعده عذاب شدید داده شده است؛ تا جایی که قرآن ادامه رباخواری را جنگ با خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) می نامند و حدیث شریف، یک درهم ربا را برابر هفتاد بار زنا با محرم در خانه کعبه قلمداد می کند. لذا همه فقیهان شیعه و سنی، گرفتن ربا حتی یک ریالش را حرام شمرده اند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶).

لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی با همه اهمیتی که ربا و بهره در اقتصاد متعارف داشت به خاطر حرمت صریح و شدید آن در اسلام، سردمداران و خبرگان درنگ را جایز ندانسته و به فاصله اندکی به اصلاح نظام بانکی و زدودن ربا از آن پرداختند. اما اینها در قانون پولی و بانکی سال ۶۲ و حتی در اصلاحات پیشنهادی اخیر تنها به ویژگی ربوی بانکها توجه کردند و به بدون ربا کردن آن در قالب عقود مشروع و متنوع کردن آنها برای تأمین اغراض سپرده گذار و متقاضی تسهیلات در بخش تجهیز و تخصیص منابع پرداخته و از خلق پول اعتباری بانکها که اصلی ترین ویژگی بانکداری تجاری است غفلت شده است و یا اینکه آن را حق مسلم بانکها فرض کردند.

حال آنکه با توجه به مطالعات صورت گرفته که در پی می آید، خلق پول اعتباری که توسط بانکهای تجاری انجام می شود، دارای پیامدهای منفی غیر قابل اغماض بر اقتصاد کلان کشور است. با اینهمه از منظر اقتصاد اسلامی و آموزه های آن در مورد ماهیت خلق پول اعتباری و انواع آن پژوهش های اندکی صورت گرفته است. لذا پژوهش حاضر درصدد است به این پرسشها پاسخ دهد که آیا آثاری که خلق پول اعتباری در اقتصاد برجای می گذارد با آموزه های فقهی و اسلامی سازگار است یا نه و شارع ملتزم به این آثار است یا نه؟ و یا آیا اصولاً مثل ربا که یک ریال آن هم حرام است یک ریال خلق پول اعتباری هم از حیث فقهی حرام است یا نه؟ اینها همه پرسشهایی است که باید پاسخ داده شود. بنابراین، در اینجا مقدماتاً توجه به اثرات و پیامدهای مخرب آن بر اقتصاد کلان به تعدادی از این پیامدهای منفی در ذیل اشاره می کنیم.

برخی آثار مخرب خلق پول اعتباری بر اقتصاد

بی ثباتی اقتصادی:

خلق پول موجب بی ثباتی اقتصادی می شود بی ثباتی ناشی از خلق پول در دو بخش مجزا قابل بررسی است:

اول. بی ثباتی ذاتی نظام بانکی: بانک در صورت درخواست همزمان سپرده گذاران در بازپس گیری سپرده، و نیز به علل اقتصاد کلانی در وضعیتی قرار می گیرد که قادر به پاسخ گویی سپرده گذارانش نخواهد بود. در این صورت، ورشکستگی بانک ها امری حتمی خواهد بود. از سوی دیگر، چنانچه بانک ها به خاطر کسب سود یا حمایت دولت (که در مواقع بحران صورت می گیرد) ذخایر کمتری نگه دارند، نظام مالی ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بحران های بانکی از یک بانک به کل نظام بانکی و نظام مالی سرایت کند. و تمام این عوامل امکانی را فراهم می آورد که در مجموع، نظام بانکی در وضعیت مستعد فروپاشی قرار گیرد.

دوم. چرخه های رکود و رونق: هنگامی که رکود اقتصادی، اقتصاد را در معرض تهدید قرار می دهد مشتریان بانک می کوشند بدهی های خود را باز پرداخت نکنند و یا دست کم وام های خود را کم کنند و می کوشند مصرف خود از وام های موجود را به تعویق بیندازند که این به کاهش عرضه پول منجر می شود و یا حداقل سرعت رشد آنها (عرضه پول) را کم می کند و از این رو، سطح قیمت ها کاهش می یابد و به صورت مارپیچ روبه پایین می رود و گاهی شدت حرکت مارپیچ روبه پایین منجر به رکود شدید می شود. خلق پول جدید منجر به سقوط شدید در اشتغال، فروش، سود، سرمایه گذاری و ارزش دارایی (مانند خانه) می شود

هنگامی که این وضعیت به رونق اقتصادی تبدیل شود، این روبه بر می گردد و افراد مشتاق به قرض گرفتن برای سرمایه گذاری می شوند. از این رو، با قرض گرفتن، عرضه پول در گردش و به تبع آن، ارزش دارایی ها زیاد و به مارپیچ روبه بالا منجر می شود و گاهی شدت این امر موجب رونق فراری می شود. رونق بیش از حد اقتصاد منجر به افزایش نرخ بهره می شود و به تبع آن، وام گیری (سپرده گذاران) کاهش می یابد و از این رو، از افزایش مقدار قابل توجه پول در جریان جلوگیری می شود.

در این شرایط، بانک های تجاری به طور طبیعی، به سود بالایی می رسند. آنها ضد چرخه رفتار می کنند، نه مطابق چرخه: افزایش اعتبار در طول دوره رونق و کاهش آن در طول دوره رکود. در نتیجه خلق پول توسط بانک ها، کمک زیادی به چرخه های کسب و کار می شود و قله های رونق و فرورفتگی های رکود را تقویت می کند و موجب بازگشت بیش از حد بهینه پول می شود و به گونه ای نظام مند به بی ثباتی قیمت ها و نرخ ویژه بهره منجر می شود. (Huber, 2014, 34). بی ثباتی اقتصادی با اهداف نظام مالی اسلامی ناسازگار است و از این رو، خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی پذیرفته نمی شود.

آثار خلق پول توسط نظام بانکی، مانند بی ثباتی در قیمت‌ها، تخریب محیط زیست، استثمار کارگران، مخاطره اخلاقی، سرمایه گذاری بی فایده، و حباب دارایی منجر به جلوگیری از تحقق اهداف شده است. از آنجا که، « تثبیت قیمت ها»، « رشد اقتصادی» و « عدالت اجتماعی» هدف نظام مالی اسلامی است.

فقدان عدالت اجتماعی:

طبق تفسیر اسلام، عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی، قائم به دو عنصر کفاف عمومی و تعدیل ثروت است (هادوی ۱۳۸۸) در برخی تعالیم صریح دال بر عدم تمرکز ثروت حاکی از آن است که اسلام وضعیتی را که در آن شکاف در برخورداری از ثروت و درآمد شدت یابد نامطلوب پنداشته و سازوکارهای پایدارکننده یا تشدیدکننده تمرکز در برخورداری ها را برنمی تابد. این در حالی است که:

۱. در ساختار پولی کنونی، پول های خلق شده به نفع اقتصاد های قوی و تبعیض علیه شرکت های کوچک و افراد فقیر، با اولویت وام گیرندگان بزرگ تر داده می شود؛ زیرا بانک ها به طور طبیعی، در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت وام و درجه اعتبار وام گیرنده، که تابعی از دارایی و ثروت است، توجه دارند. این موضوع شرایطی را ایجاد می کند که در آن، ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می شوند.

۲. خلق پول توسط بانک های تجاری منجر به تنزل ارزش منابع پولی مردم از طریق تورم می شود. بنابراین، خلق پول بیش از همه، به نفع اولین دریافت کنندگان آن است. اولین کسی که از پول نفع می برد تولیدکننده آن و در مرحله بعد عرضه کنندگان کالا و خدمات به وسیله آن هستند. اما به تدریج، با ظاهر شدن آثار تورمی از قدرت خرید پول کم می شود. افرادی که در انتهای زنجیره قرار دارند و به ویژه آنهایی که این پول به آنها نمی رسد بازندگان هستند؛ زیرا درحالی که باید قیمت زیاده تری بپردازند، اما درآمد اسمی آنها اصلاً افزایش نمی یابد.

۳. در ساختار پولی کنونی، بانک ها از طریق سپرده های مشتق شده، خلق پول را زیاد می کنند و بر روی آنها نرخ بهره را به دست می آورند. این نشان دهنده توزیع مجدد غیر قابل توجیه از عموم به سهام داران بانک است. چنین ساختاری منجر به درآمد بالای گروه سهام داران بانک می شود (Al-Jarhi 1983, 26). از این رو سازوکار کنونی خلق پول منجر به تمرکز ثروت واقعی نزد تعداد معدودی از افراد می شود، و خلاف دستور قرآن است که می فرماید: «نباید مداری در بین ثروتمندان در بین شما تشکیل شود» (سوره حشر آیه ۷) از این رو بحث از "عدالت" در نظام اسلامی، با وجود سازوکار کنونی، خلق پول توسط نظام بانکی معنا ندارد.

کاهش رشد اقتصادی:

به یقین، می توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آنکه رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش های آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن بوده است. به همین سبب، هر نظامی برای دستیابی به رشد موردنظرش، کوشش های فراوانی می کند (ا. یوسفی ۱۳۸۶)

با وجود این، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی در جهت ممانعت از رشداقتصادی عمل می کند؛ زیرا بانک ها برای به دست آوردن سود بیشتر، در فعالیت های پرریسک و سرمایه گذاری های بی فایده اقتصادی سرمایه گذاری می کنند. در نتیجه، وام دهی و ایجاد پول های جدید به جای اینکه در سرمایه گذاری پایدار باشد، به سمت املاک و سفته بازی هدایت می شود که عواقب زیان باری برای جامعه دارد. خلق پول همراه بهره است و معمولاً بهره هزینه طرح سرمایه بر را بیشتر می کند و در نتیجه، از رشد اقتصادی ممانعت می کند. همچنین خلق پول توسط نظام بانکی همراه با تخریب بی رویه محیط زیست است که نتیجه بهره برداری بیش از حد منابع برای پرداخت بهره های خلق پول توسط نظام بانکی است و این مانع رشد پایدار است. بی تردید، ساختار نظام اقتصادی اسلامی، به ویژه ساختار مالی در این نظام، به گونه ای سامان یابد که موجب همسویی رشد و عدالت گردد. از این رو، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که در پی بدتر کردن وضع افراد فقیر و متوسط جامعه عمل می کند، باید به نظامی تبدیل شود که توانایی این عمل از وی ساقط است.

بی ثباتی در قیمت ها:

به طور کلی، می توان به ثبات قیمت ها (کنترل تورم) به عنوان یکی از هدف های سیاست کلان اقتصادی نظام مالی اسلامی اشاره کرد. در حال حاضر، بانک مرکزی با مراقبت های خود، سعی در کنترل تورم دارد. به همین روی، آنها تصمیم می گیرند که چه مقدار پول منتشر کنند و به گردش درآورند و این اطمینان برایشان حاصل شود که نه بیش از حد باشد و نه خیلی کم، درحالی که با خلق پول توسط نظام بانکی، حجم پول بیش از پایه پولی زیاد می شود. به همین سبب، توان کنترل تورم آسان نخواهد بود. (Huber 2014, 35)

تجربه تاریخی نشان می دهد بیشترین نوسان های پولی، چه به صورت تورم شدید و یا کاهش ناگهانی در سطح عمومی قیمت ها به سبب رکود و کساد، از سده بیستم میلادی به این سو، پیامد بحران های بانکی بوده است. رشد فزاینده قیمت ها و بحران های بانکی نشانگر آشفتگی و نابسامانی نظام پولی استوار شده بر پایه خلق اعتبار بانکی است (مجاهدی موخر، دلالی اصفهانی صمدی و بخشی دستجردی ۱۳۹۰) خلق پول مسئول تورم و موجب ویرانی جامعه است (Anwar 2000, 13) عرضه پول توسط بانک ها و تورم حاصل از آن به این معناست که ارزش واقعی سپرده کاهش می یابد و این به معنای آن است که نمی توان دستورهای خدا در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود را اطاعت کرد آنجا که می فرمایند: "... و از پیمانانه و ترازو نگاهید..." پیمانانه و ترازو را به طور کامل و باعدل و انصاف بسنجید و هنگام

سنجیدن و پیمانانه کردن کالاهای مردم، از آنها نگاهید بدین روی، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که تشدید کننده تورم است، در نظام مالی اسلامی پذیرفته شده نیست. (مصصامی و کیانپور ۱۳۹۴)

پرسش های اصلی و فرعی پژوهش

الف: پرسش های اصلی:

آیا هر نوع خلق پول اعتباری بانکی به هر میزان با آموزه های شرعی و اسلامی سازگار است؟

ب: پرسش های فرعی:

۱. آیا خلق بی رویه پول اعتباری با آموزه های اسلامی و شرعی سازگار است؟

۲. آیا خلق پول اعتباری از نظر فقهی اکل مال به باطل است؟

۳. آیا خلق پول اعتباری از نظر فقهی غصب است؟

۴. آیا خلق پول اعتباری از نظر فقهی ایفای عدم تعهد است؟

۵. آیا خلق پول اعتباری منجر به توزیع ناعادلانه ثروت می شود؟

فرضیه های اصلی و فرعی تحقیق

فرضیه های اصلی:

۱. خلق بی رویه پول اعتباری با آموزه های اسلامی سازگار نیست.

۲. هر میزانی از خلق پول اعتباری با آموزه های اسلامی سازگار نیست.

فرضیه های فرعی

۱. خلق بی رویه پول اعتباری ناقض قواعد عدالت در اقتصاد اسلامی است.

۲. خلق پول از ناحیه ذخیره جزئی ناقض اصل امانت در اقتصاد اسلامی است.

۳. خلق پول از ناحیه خلق پول از هیچ اساسا اکل مال به باطل است.

اهداف پژوهش و نوآوری آن

هدف این پژوهش شناخت ماهیت خلق پول اعتباری و سپس تبیین معیاری و موضوعی حکم فقهی آن در اقتصاد اسلامی است. در تبیین معیاری با توجه به برخی آثار مثبت اقتصادی که برای خلق پول برمی شمارند تنها می توانیم اثبات کنیم به خاطر برخی آثار مخرب خلق بی رویه پول با آموزه های فقهی و اسلامی سازگار نیست. نوآوری پژوهش در اینجا این است که با قواعد عدالت که به تفصیل آنها را احصاء کردیم عدم سازگاری آن با آموزه های فقهی و اسلامی

نشان داده می شود. در تبیین موضوعی است که با ماهیت شناسی خلق پول اعتباری می توانیم اثبات کنیم حتی خلق یک ریال پول اعتباری هم با این آموزه ها سازگار نیست. نوآوری پژوهش در اینجا این است که با دلیل جدیدتر و متقن تری اکل مال به باطل بودن آن را از حیث فقهی اثبات می کند.

روش کلی پژوهش

هدف تمام علوم شناخت و درک دنیای پیرامون ماست. به منظور آگاهی از مسائل و مشکلات دنیای اجتماعی روشهای علمی تغییرات قابل ملاحظه ای پیدا کرده اند. این روندها و حرکتها سبب شده است که برای بررسی رشته های مختلف بشری از روش علمی استفاده شود. از جمله ویژگیهای مطالعه علمی که هدفش حقیقت یابی است استفاده از یک روش تحقیق مناسب می باشد. اکنون تحقیق در علوم انسانی روش علمی است که به بسیاری از مسائل و رویدادها به دیده تردید می نگرد و آنها را با روشهای مخصوص و از ابعاد و جنبه های گوناگون بررسی می کند تا به علت آنها پی ببرد و راهکار یا الگویی جدید جهت بهبود شرایط ارائه نماید. انتخاب روش تحقیق مناسب به هدفها ماهیت و موضوع مورد تحقیق و امکانات اجرایی بستگی دارد.

هر تحقیق تلاشی است نظام مند به منظور دست یافتن به پاسخ یک پرسش یا راه حلی برای یک مسئله است. با توجه به اینکه پرسشها و مسئله ها ماهیتهای گوناگونی دارند لذا می توان بر پایه چگونگی این پرسشها و مسئله ها تحقیقات را طبقه بندی کرد. نوع جهت گیری پژوهشی که در برخی کتابها از آن تحت عنوان طبقه بندی تحقیقات بر حسب هدف نام برده می شود (سرمد و بازرگان ۱۳۸۶)، قبل از هر چیز بر «میزان کاربرد مستقیم یافته ها و درجه تعمیم پذیری آنها در شرایط دیگر» توجه دارد. کلیه پژوهشها در حقیقت سه هدف متفاوت را دنبال می کنند. گاهی هدف تحقیق حل یک مشکل متداول و معمول است و گاهی هدف تحقیق افزودن به مجموعه کلی دانش در یک حوزه خاص است و گاهی اوقات هدف تحقیق بررسی اثرات پیشنهادی تحقیقات کاربردی است. وقتی پژوهشی به قصد کاربرد عملی دانش یا به قصد کاربرد نتایج یافته هایش برای حل مشکلات خاص متداول درون سازمان انجام می شود، چنین تحقیقی پژوهش کاربردی نامیده می شود. اما زمانی که پژوهش برای افزایش دانش و درک ما از مشکلات خاص که عموماً در محیطهای سازمانی اتفاق می افتد انجام می شود پژوهش بنیادی نامیده می شود و در واقع هدف عمدتاً انجام این پژوهش، ایجاد دانش بیشتر و درک بهتر پدیده ها از طریق بررسی نظریه های مختلف و سپس تأیید، تعدیل یا رد آنها می باشد به گونه ای که بر اساس نتایج تحقیق تئوریهای جدید بنا شوند. چنین تئوریهایی بعداً به صورت مبنایی برای بررسی آتی پدیده ها در می آیند. سومین نوع جهت گیری پژوهش، پژوهش ارزیابی نامیده می شود که برای بررسی اثرات توصیه های تحقیقات کاربردی انجام می شود. این تحقیق از نظر ماهیت از نوع تحقیقات بنیادین است. (دانایی فرد، الوانی و آذر ۱۳۸۹) این تحقیق با روش کتابخانه ای و بررسی اسنادی انجام پذیرفت.